



## خاطرات زندان شادروان محمد هاشم زمانی (ترجمه دری)

مقدمه مترجم آقای معراج امیری

استبداد و اعمال خشونت پدیده‌هایی نیستند که بتوانیم آنرا متعلق به کدام جامعه مشخصی بدانیم. این پدیده‌ها در ارتباط با یکدیگر در جوامع انسانی به اشکال مختلف وجود داشته و هیچ نظام سیاسی چه در اشکال پیش مدرن و چه در اشکال مدرن، مبرا از آن نبوده و ممکن در آینده هم نخواهد بود. انداختن درسیاه‌چالها، استفاده از وسایل شکنجه، تحمیل گرسنگی، بی‌لباسی و تحمیل صدها اعمال ضد انسانی از جانب زمامداران و شاهان در برابر مخالفین امریست که هم در تاریخ اروپا قابل رویت است و هم در سایر قاره‌های جهان و تا امروز هم به اشکال مدرنتر آن ادامه دارد.

آنچه جامعه ما را از سایر جوامع متمایز میسازد، مسکوت نگهداشتن تاریخ و بخصوص اعمال استبداد و خشونت شاهان و قدرتهای محلی، نه تنها در برابر مخالفین سیاسی بلکه در برابر توده مردم میباشد. در اروپا تعداد زیادی از رومان نویس‌های قرن 18 و 19 در رومانهای تاریخی خود نه تنها تصویری کلی از تحولات اجتماعی را به خواننده انتقال میدهد بلکه به افشای



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)

همه جانبه ای اعمال ضد انسانی سلاله های سلطنتی و سایر قدرتمندان پرداخته اند. اما در فرازهای تاریخ پرماجرای قرن ۲۰ و ۲۱ کشور ما، هنوز هم گوشه های زیادی از تاریخ ما دست ناخورده و تاریک باقی مانده است. خاطره ها، یادداشتها و همچنان پژوهش های محققان ما بجز موارد معدودی، دیرزمانی در سینه ها و مغزها زندانی بود و کسی جرئت نداشت حقایق تلخ ظلم و تعدی را که بر مجموعه جامعه و یا به خانواده و شخص خود آنها رفته بود، اظهار کنند و یا روی کاغذ آورند. شرایط استبدادی، حاکمیت اختناق و سانسور عقاید و افکار، چنان بر فضای اجتماعی-سیاسی حاکم بود که کسی جرئت باز کردن این اوراق ناکشوده را نداشت و ممکن نبود حقایق تاریخی جامعه بدون دستکاری از جانب دستگاه وابسته به حاکمان مطلق العنان و مستبد به نسل های آینده انتقال داده شود.

بحران متداوم چندین دهه مردمان این سرزمین را به مصیبت های جبران ناپذیری مواجه ساخت، اما در عین زمان این بحران اجتماعی زنجیر یک سلسله محدودیت های سیاسی-فرهنگی را نیز از هم گسست که در نتیجه کتابهای متعدد در زمینه تاریخ و همچنان خاطرات و یادداشت های افراد آسیب دیده از استبداد نیز بدست نشر سپرده شد. محتوای این کتابها و خاطره نویسی ها، برای آگاهی نسل های آینده این کشور از وقایع تاریخی کشور دارای اهمیت ویژه ای میباشد. در این جای شک نیست که این نوشته ها تجارب شخصی افرادیست که سالها قربانی استبداد بوده و با باز شدن فضای اختناق دست به قلم برده و هر یک از زاویه و دید شخصی خود به بیان جریانات پرداخته اند، اما محققان منتقد و تیزبین از لابلای همین یادداشتها و خاطرات به حقایقی دست خواهند یافت که در شیوه تاریخ نویسی کشور ما تا حال از نظرها مستور مانده بود.

نشر کتاب "جنبش مشروطیت" اثر عبدالحی حبیبی، «قربانیان استبداد» اثر سید مسعود پوهنیار، جلد دوم «افغانستان در مسیر تاریخ» اثر میر غلام محمد غبار، از جمله اولین کتابهایی بودند که چهره ای غبارآلود استبداد زمامداران افغانستان را تا حدودی معینی برملا ساخت.

در همین ردیف کتاب «زندانی خاطرات» اثر ارزشمند محمد هاشم زمانی شامل میباشد. "خاطرات زندانی" گوشه ای از یادداشت های دوران ۲۰ سال زندان روانشاد محمد هاشم زمانی، شاعر، نویسنده و مبارز آزادی خواه است که در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی (۲۰۰۰ ع) بزبان پشتو، به دست نشر سپرده شد.

زمانی نو جوان خودش، خانواده اش و دهها خانواده ای دیگر مرد، زن، طفل ها اهم از بچه و دختر شامل قربانیان استبداد دوره صدارت هاشم خانی بودند. کتاب "خاطرات زندانی" روشنگر گوشه ای دیگری از خودکامگی و اعمال استبداد زمامداران و دستگاه حکومتی دهه ۲۰ و ۳۰ (هجری شمسی) کشور ماست که با محتوای متفاوت از کتابهای قبلی نوشته شده است.

بعد از نشر کتاب «خاطرات زندانی» کتابهای دیگری از جمله «سرنشینان کشتی مرگ» نوشته زنده یاد عبدالصبور غفوری و به تعقیب آن کتاب «از خاطراتم» اثر محترم خالد صدیق و همچنان خاطرات عبدالملک عبدالرحیم به نشر رسید که هر کدام در جای خود به زوایایی از استبداد خونبار دوران سلطنت روشنی می اندازند.



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)

اما آنچه تا نشر کتاب «خاطرات زندانی» در مورد وضع زندانها و زندانیان دوران سلطنت میاندستیم، بیشتر شامل حال نویسندگان، خانواده‌ها و دوستان و همزنجیران نزدیک سیاسی شان میشد و از بخشهای دیگر زندان و تعداد بیشمار زندانیانی که در شرایط بد زندانها قرون وسطایی به فراموشی سپرده شده بودند، کمتر معلومات بدسترس قرار داشت. کتاب «زندانی خاطرات» اثریست که از همین زاویه دارای اهمیت بخصوصی میباشد. در این اثر توجه نویسنده به جزئیات قضایای زندان و بخشهای جدا از کوه قفلی‌های زندانیان سیاسی معطوف است. نویسنده از حلقه روابط شخصی و خانوادگی که در داخل کوه قفلی‌های بخش مخصوص وجود داشت با همه مشکلات و قیودات پافراتر گذاشته و به سراغ انسانهای در داخل زندان دهمزنگ میرود که تا نشر این کتاب، هیچ گزارش مستندی از آنها وجود نداشت. این کتاب خواننده را به سراغ افرادی میبرد که سرنوشت بسیاری از آنها حتی برای نزدیکان شان تاریک مانده و از هرگونه امکانات ارتباط به دنیای بیرون زندان محروم بودند. شاید اقارب آنها حتی تا امروز هم از سرنوشت واقعی آنها بی اطلاع باشند و ممکن کسانی از اقارب شان بعد از ازگذشت بیشتر از نیم قرن برای اولین بار از ورای صفحات این کتاب از سرنوشت واقعی آنها آگاهی پیدا کنند.

ترسیم وضع زندان نمونه‌ای کاملیست از حاکمیت یک نظام استبدادی که جزئیترین ارزشی بکرامت انسانی قایل نبوده و تمام معیارهای انسانی را زیر پا میکند. در حالیکه زندانیان خود در فقر و فاقه و گرسنگی و بی‌لباسی در شرایط جهنمی در اتاقهای سرد پر از حشرات مضره شب و روز خود را میگذرانند و از گرسنگی علف میخورند و یا از فاضله‌های خوراک‌های سایر زندانیان تغذیه میکنند، نیروی کارشان مفت و رایگان در دستگاه‌های تولیدی زندان بکار گرفته میشد و از حاصل کار خود هیچ‌مزدی جهت امرار زندگی روزمره خود در زندان بدست نمی‌آوردند. صدها طفل بیگناه خورده سال و شاید یتیمی که از غربت و بیچارگی و یا یانادانی مرتکب جرم‌های خورد و کوچکی شده بودند، بجای توجه به تربیه و تعلیم آنها به زندان اطفال یا «کره خانه» که انسان از بردن نامش خجالت میکشد، در بند کشیده شده بودند، جاییکه بر علاوه لت و کوب و شکنجه مورد تجاوز جنسی زندانبانان خود قرار هم میگرفتند.

زمانی در بخش «دنیای دیوانگان» سرنوشت رقتبار زندانیانی را تمثیل میکند که شکنجه‌ها و عذاب جسمی و روانی متداوم آنها را به جنون و دیوانگی کشانیده است. او عوامل زندانی شدن عده‌ای از آنها را دقیق کند کاو کرده خواننده را در جریان زندگی و سرنوشت محتوم آنها میگذارد. تعدادی از آنها انسانهای غریبکار و مظلومی بوده‌اند که به ناحق بنام زندانی سیاسی عمری را در زندان گذشتاند. او با تصویرسازی بسیار جالب از ورای دیالوگ‌های این «دیوانگان» منطق آنها را با مسئولین زندان، نگهبانان و ملای زندان بمقایسه میکشد و به خواننده این احساس را میدهد که دیوانگان زندانی از مهره‌های صاحب عقل یک دستگاه فاسد سالمت‌ر فکر میکردند و به این ترتیب ساختار یک دستگاه استبدادی را با تمام پیچ‌مهره‌هایش برای خواننده به نمایش میگذارد و در نهایت روشن میسازد که این مجریان ظلم در زندان، خود هم قربانیان و زندانیان بی‌اراده استبداد اند که گاهی مجبور میشوند اعتراف کنند که در تحمیل ظلم به زندانیان خلاف خواست خود مجبورند از اوامر مقامهای بالایی برده‌وار پیروی کنند.



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)

قلم زمانی مانند بسیاری از قربانیان استبداد تند و برنده است اما علت این تندی زبان تنها بخاطر بیان درد های شخصی که او و خانواده اش متحمل شدند، نیست و یا اینکه به پیروی از استادش بابا عبدالعزیز چنین زبانی را در نوشتن کتاب انتخاب کرده باشد، بلکه این تندی زبان بیشتر ناشی از احساس انسان دوستی نویسنده است که سالها شاهد وضع غیر قابل تحمل یک جمع بزرگ از انسانها بوده؛ نویسنده شاهد درد و غم، شکنجه و لت و کوب و گرسنگی زندانیان بی بضاعت است. دهها طفل مظلوم «کره خانه» و «دیوانگان دراز خانه» بر علاوه انجام کارهای طاقتفرسا در بخشهای صنعتی، مورد لت کوب و شکنجه متداوم قرار گرفته و در حال بی لباسی و بی نانی، بدون داشتن لحاف و دوشک در پارچه های پر شیش شبها را به صبح میرساندند. او شاهد تلاشهای مذبوحانه دستگاه استبدادی بود که با تمام نیرو تلاش داشت، شخصیتهای ملی و وطنپرست و فرهیخته را تدریجی بطرف انهدام روانی و جسمی سوق دهد و آنها را وادار سازد تا در برابر استبداد تسلیم شوند، چه بسا که بعضی از آنها بگونه ای مرموز جان میدادند. نویسنده مقاومت و تسلیم ناپذیری و همچنان احساس مسئولیت داشتن آنها را سرمشق زندگی خود میسازد. این شخصیتها حتی در بدترین شرایط، زندان و ظایف و مسئولیتهای اجتماعی خود را فراموش نکرده و به نوجوانان همزنجیر خود بر علاوه سواد آموزی، درس انسانیت، و وطنپرستی و آزادیخواهی را ترویج میکردند. تجارب زندان و آشنایی با شخصیت های سیاسی و فرهنگی و آموزش از آنها در داخل زندان در ساختار شخصیتی زمانی نقش بارزی داشته و بعنوان یک شاعر با درد و نویسنده منتقد به آن تعهدیکه به استادش بابا عبدالعزیز سپرده بود، تا پایان عمر وفادار میماند. بیجا نیست که عبدالرحمن پژواک نویسنده و شاعر فقید افغانستان در مقدمه مجموعه شعری زمانی «زخمی زره» مینویسد: «او از آغاز جوانی درس زندگی را از درد و رنج فرا گرفته است که به گفته ژان ژاک روسو بهترین معلم انسان است. او در دل شبهای مصیبت بیدار مانده و با شیون کشتگان هم آهنگ گردیده.»

زمانی در نوشتن کتاب، با وجود وقوف از بعضی اضافه گوییها و اشتباهات تاریخی راویان، در متن اصلی گفته های راوی تغییری بمیان نیاورده و امانتداری را حفظ کرده است. من با انتقاد محترم حبیب الله رفیع موافقم که گفته های مولوی بهرام در مورد ملاقاتش با محمد نادر خان در دهلی و پشاور از نگاه تاریخی بعد از خروج امان الله خان از افغانستان مطابقت ندارد. اما افتتاح یک مدرسه در آن زمان در قندهار یک امر ناممکن بنظر نمیرسد. نه حبیب الله آن تسلطی را در قندهار داشت که بتواند مدارس دینی را مورد بازرسی قرار دهد و نه فضای حاکم اجتماعی به او اجازه میداد که جلو تبلیغ علما دینی را در مدارس و مساجد بگیرد. اما اینهم ممکن است که مولوی بهرام بعد از سالها رنج و عذاب زندان و شکنجه مواجه به بحران حافظه شده و تصوراتش را واقعیت پنداشته و یا اینکه جریان وقایع تاریخی را درهم برهم بیان کرده باشد.

داستان سرنوشت غم انگیز مولوی بهرام درست و یا اشتباه آمیز، بیانگر استبداد است که به هیچ وجه از اهمیت کتاب نمی کاهد، زیرا در بخشهای دیگر کتاب به وقایعی پرداخته شده که تا نشر این کتاب هیچ نویسنده دیگری به آن توجه نکرده و گزارش مستندی از اوضاع حاکم زندان دهمزنگ وجود نداشت.



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)

ممکن برای خواننده ای منتقد این سوال خلق شود که چرا مترجم بیست سال بعد از نشر متن پشتوی کتاب، اقدام به ترجمه ای آن کرده در حالیکه کتاب بیانگر وقایع 60-70 سال قبل افغانستان است.

انگیزه اولی ترجمه این کتاب روشن شدن تداوم استبداد در جامعه ماست که به اشکال متفاوت میراث گذشته را در خود حمل میکند. حال و آینده را نمیتوان بدون پرداختن به گذشته در ترازوی قضاوت گذاشت. اگر استبدادی که کتاب زنده یاد زمانی بگفته خودش فقط مشمت نمونه ای خروار است، وجود نمیداشت و این همه انسانها مبارز و فرهیخته محکوم به اعدام و یا روانه کوزه قفلی های زندانها نمیشدند و به خواسته های برحق آنها برای ایجاد یک جامعه بهتر و انسانیت از طرف زمامداران جواب مثبت داده میشد، اگر دروازه های مکتب هاییکه در زمان امان الله خان تاسیس شده بودند به روی فرزندان این کشور بسته نمیشد، شاید سرنوشت این مردم ستم دیده امروز طور دیگری رقم میخورد.

در نیمه دوم دهه ۷۰ هجری شمسی بعد از تسوید قانون اساسی جدید افغانستان و بازنگری و تحقیق در زندانهای افغانستان در حدود چهارده هزار زندانی بدون کدام دوسیه جنایی و یا سیاسی یا در زندان بسر میبردند و یا اینکه در زندان با زندگی وداع کرده بودند. در دوران حاکمیت «حزب دموکراتیک خلق» قربانیان قتل، شکنجه و تعداد زندانیان این حزب استبداد زده چه قبل از حمله شوروی و چه بعد از آن بشمار بوده و تا هنوز هم آمار دقیقی از آنها وجود ندارد. اما در مورد شکنجه های غیر انسانی جسمی و روانی آنها شواهد و اسناد کافی وجود دارد که گوشه های از آنها قسماً در خاطرات و نوشته های زندانیان و همچنان در گزارش های سازمانهای بین المللی حقوق بشر بصورت مستند ثبت شده است. تداوم این استبداد را مردم افغانستان در جریان جنگهای تنظیمی و حاکمیت طالبان بازم روی گوشت و پوست خود احساس کردند که تا هنوز هم با اشکال دیگری ادامه دارد.

انگیزه ای دومی، شیوه متفاوت گزارشدهی از وضعیت درون زندان است که زنده یاد زمانی خواننده را با خود به آن گوشه های تاریک زندان میبرد که هیچ فردی قبل از او و بعد از او در همان برهه ای زمانی به آن توجه نکرده است. کنجکاو و استعداد نویسندگی و همچنان توجه او به توصیه های مکرر استادی مانند بابا عبدالعزیز که همیشه از او میخواست تا به ثبت و نوشتن وقایع زندان اقدام کند تا آیندگان بیخبر نمانند، او را به گزارشگر دقیقی ارتقا داد که بدون آگاهی به فن ژورنالیسم مدرن، کار یک ژورنالیست تحقیقی را در شرایط اختناق و محدودیت های شدید زندان به بسیار خوبی انجام داده است.

انگیزه دیگر ترجمه این کتاب از زبان پشتو به فارسی دری راه باز کردن یک تبادل فرهنگی میان دو زبان رسمی این کشور است که تا حال در این ساحه کمتر کار صورت گرفته است. آرزومندی من اینست که این تبادل میان زبانها در بخش ادبیات و تاریخ بیشتر گردیده و از این طریق همه زبانها از مزایای همدیگر سود برده و دیوارهای جدایی میان اقوام مختلف از میان برداشته شود. از مطالعه متن کتاب و آگاهی از وضع زندانها و زندانیان و ظلمی که بر آنها میرفت، ترکیب نا متجانس قومی زندانیان، روشن میگردد که استبداد قوم و تبار و دین و مذهب نمیشناسد. زندان دهمزنگ و پلچرخ و زندانهای سایر ولایات افغانستان



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)

همه ستمکده هایی بود که در آن صدها و هزاران هزار انسان از اقوام مختلف این سرزمین زنده بگور شدند و در درون زندان با وجود متعلق بودن به اقوام متفاوت همه به درد و رنج همدیگر شریک بوده و در احساس همدردی و همنوایی با همدیگر بیشتر به میعارهای انسانی پایند بوده اند تا به وابستگی به قوم و تبار و دین و مذهب.

وانگیزه آخری قول و وعده ای بود که در آخرین دیدار در شهر هیوارد کلفورنیا به زنده یاد زمانی داده بودم که در وقت مساعد به ترجمه کتاب اقدام خواهم کرد.

کلن جمهوری اتحادی المان

22 نومبر 2020

با عرض حرمت



[www.ZamaniFamily.org](http://www.ZamaniFamily.org)  
[www.ZamaniFamily.com](http://www.ZamaniFamily.com)



[Info@zamaniFamily.org](mailto:Info@zamaniFamily.org)



[You Tube Channel](#)